

# ایشان را خاموشی

پیراسلام ایرالان  
انقلاب شهید  
ویژه سهادت



پایگاه خبری



## درباره روایت بدانید:

پایگاه خبری تحلیلی روایت در سال ۱۴۰۱ به منظور ارائه روایت اصیل و ناب از رویدادهای مرتبط با جغرافیا، تاریخ و هویت کشور و ملت افغانستان تاسیس شد. نکته قابل توجه این که پالیسی پایگاه خبری تحلیلی روایت را بازتاب روایت مردم، نه جناح‌های سیاسی، تشکیل می‌دهد.

اگر مخاطبی بپرسد که چرا روایت را ایجاد کرده‌ایم، پاسخش ساده است و آن این‌که ما امروزه در دنیا و بالاخص در افغانستان، در آتش روایات جعلی و دروغینی می‌سوزیم که هیچ ارتباط و پیوندی با تاریخ، فرهنگ و هویت امروز و دیروز کشور ما ندارد. روایت مسلط امروز در افغانستان، روایت حذف‌گرایانه‌ای است که مبتنی بر انحصارطلبی قومی، دیگرستیزی، فرهنگ‌زدایی و تبعیض جنسیتی است. آنچه امروز برای مردم این سرزمین حیاتی است ارائه یک روایت واقعی، مردمی و سازنده است که ما سعی داریم آن را با کمک مخاطبان خود ایجاد کنیم... روایتی از افغانستان و برای همه افغانستانی‌ها.

# مجله روایت

## شناسه:

صاحب امتیاز: عبدالشهید ثاقب

مدیر مسوول: شفیق الله احدی

هیأت تحریر: دکتر عبداللطیف پدرام، عبدالشهید ثاقب، شفیق الله احدی، ضیاضیایی،  
شهرام خراسانی، ع.عمار، حسیب الله ولی زاده.

## نویسندگان این شماره

- شهرام خراسانی
- ضیا ضیای
- حسیب الله ولی زاده
- تحریریه روایت
- حسن صعب
- ع.عمار
- نجیب بارور
- محمد کاظم کاظمی
- مهران پوپل
- حسیب احراری

## فهرست مقالات

- ویژگی های منحصر شهید خامنه ای؛ هر چه خوبان همه دارند، تو تنها داشتی.....۲۴  
(ضیا ضیایی)
- شعر.....۲۶  
(نجیب بارور)
- شعر.....۲۸  
(مهران پوپل)
- شعر.....۲۹  
(استاد محمد کاظم کاظمی)
- شعر.....۳۰  
(حسیب احراری)
- در سوگ یک فقدان.....۳۱
- حرف آخر.....۳۲

- یادداشت مدیر مسوول.....۴
- وداعی در مقیاس تاریخ.....۵  
(شهرام خراسانی)
- اهمیت مسئله ی فلسطین در اندیشه ی سید علی خامنه ای.....۷  
(حسن صعب)
- خامنه ای؛ اسطوره ی ماندگار بر سپهر تاریخ و جهان اسلام.....۱۱  
(شفیق الله احدی)
- نقش شهید خامنه ای در زنده نگه داشتن روایت فلسطین.....۱۳  
(ع.عمار)
- خامنه ای و نظم نوین جهانی.....۱۵  
(حسین رسولی)
- دو رهبر؛ نگاهی به روابط رهبر ایران و استاد شهید.....۱۹  
(تحریریه روایت)
- از ابو مسلم خراسانی تا سید خراسانی.....۲۰  
(ضیا ضیایی)

## یادداشت مدیر مسوول



### آن که رفت، اما راه ماند...

گاهی تاریخ در یک لحظه متوقف می‌شود؛ لحظه‌ای که فقدان یک شخصیت، تنها فقدان یک فرد نیست، بلکه پایان فصلی از یک عصر و آغاز فصلی دیگر از مسئولیت، بازخوانی و تداوم است.

شماره ویژه پیش روی شما، در سوگ و بزرگداشت شهادت آیت‌الله العظمی امام خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی ایران، منتشر می‌شود؛ شخصیتی که بیش از چند دهه در متن مهم‌ترین تحولات سیاسی، فرهنگی، امنیتی و تمدنی منطقه و جهان اسلام حضور داشت و نام او با مقاومت، استقلال‌خواهی، مردم‌سالاری دینی و دفاع از آرمان فلسطین گره خورده است.

«روایت» در این شماره، تنها به ثبت یک واقعه تاریخی بسنده نکرده است؛ بلکه کوشیده است تصویری جامع از اندیشه، سیره، رهبری و میراث ایشان ارائه دهد. از روزهای مبارزه و انقلاب تا سال‌های رهبری، از مدیریت بحران‌های بزرگ تا ترسیم افق تمدن نوین اسلامی، از نقش‌آفرینی در معادلات منطقه‌ای تا تأثیرگذاری بر نسل‌های جدید؛ همه در این مجموعه، از زاویه‌های گوناگون روایت شده‌اند.

شهادت رهبران بزرگ، اگرچه اندوهی عمیق بر دل ملت‌ها می‌نشانند، اما در عین حال فرصتی برای بازخوانی اندیشه‌ها، ارزیابی کارنامه‌ها و تأمل در مسئولیتی است که بر دوش آیندگان باقی می‌ماند. ملت‌ها با فقدان رهبران خود تنها خاطره‌ای را بدرقه نمی‌کنند؛ بلکه میراثی را به آیندگان می‌سپارند که حفظ و تداوم آن، آزمونی تاریخی خواهد بود.

### ویژه ی شهادت رهبر انقلاب اسلامی ایران

امید آن داریم که این شماره ویژه، افزون بر ثبت بخشی از حافظه تاریخی این روزگار، بتواند منبعی برای پژوهش، شناخت و تأمل نسل‌های آینده باشد؛ نسلی که شاید این روزهای پرحادثه را ندیده باشد، اما برای فهم آن، به روایت‌های مستند، منصفانه و ماندگار نیاز خواهد داشت.

این شماره، ادای احترام «روایت» به شخصیتی است که چه در زمان حیات و چه پس از شهادت، در کانون توجه جهان اسلام و تحولات منطقه قرار داشت. باور داریم که تاریخ، بیش از هر چیز، از خلال روایت‌های دقیق و صادقانه زنده می‌ماند.

مدیر مسوول مجله روایت

از سوی دیگر، گزارش‌ها حاکی از آن است که این مراسم در شرایطی برگزار می‌شود که فضای امنیتی و سیاسی منطقه همچنان ملتهب است و آینده روابط ایران با قدرت‌های جهانی در وضعیت حساس قرار دارد. برخی تحلیلگران معتقدند که این رویداد می‌تواند آغازگر دوره‌ای جدید از بازآرایی قدرت در خاورمیانه باشد؛ دوره‌ای که در آن نقش ایران و جریان‌های همسو با آن بار دیگر در مرکز توجه قرار می‌گیرد.

### فرجام سخن اینک؛

شهادت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی ایران را نمی‌توان صرفاً به‌عنوان پایان یک دوره سیاسی در نظر گرفت. این رخداد، در سطحی عمیق‌تر، آغازگر مرحله‌ای تازه در تاریخ سیاسی ایران و منطقه است؛ مرحله‌ای که در آن پرسش‌های اساسی درباره آینده، توازن قدرت و جهت‌گیری‌های منطقه‌ای دوباره مطرح می‌شود.

حضور گسترده هیئت‌های خارجی در مراسم‌های تهران نشان می‌دهد که این واقعه فراتر از یک تحول داخلی، به مسئله‌ای بین‌المللی تبدیل شده است. این حضور نشانه احترام به جایگاهی است که او طی سال‌ها در سیاست جهانی به دست آورده بود؛ جایگاهی که بر پایه مقاومت، استقلال‌طلبی و تأثیرگذاری منطقه‌ای شکل گرفته بود.

در نهایت، آنچه از این رویداد باقی می‌ماند، تنها یک مراسم تشییع یا یک خبر سیاسی نیست؛ بلکه آغاز روایتی جدید از نظم سیاسی در منطقه‌ای است که همواره در مرکز تحولات جهانی قرار داشته است.



به یاد دارم روزی را که، خبر شهادت آیت‌الله علی خامنه‌ای رهبر شهید انقلاب اسلامی ایران فضای سیاسی ایران و جهان را در بهت و سکوتی سنگین فرو برده بود. شخصیتی که برای دهه‌ها در مرکز تحولات منطقه‌ای و جهانی قرار داشت، اکنون به نقطه‌ای از تاریخ بدل شده که واکنش‌ها به آن تنها در قالب سیاست قابل توضیح نیست، بلکه با احساس، حافظه جمعی و هویت ملت‌ها نیز گره خورده است.

اندوه شهادت این رهبر مبارز به سرعت از مرزهای ایران و از دل ایرانیان عبور کرد و به مسئله‌ای جهانی تبدیل شد؛ مسئله‌ای که نه فقط دولت‌ها، بلکه افکار عمومی، رسانه‌ها و جریان‌های فکری را نیز درگیر خود ساخته است.

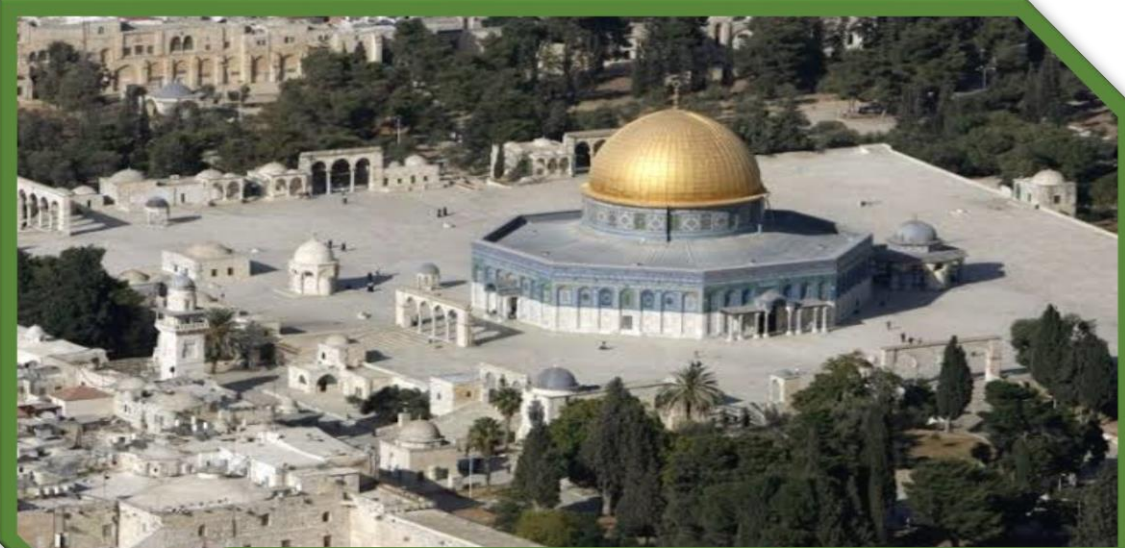
این روزها در آستانه تشییع پیکر او هستیم. دیده می‌شود که رهبران اکثریت کشورها مشتاق حضور و احترام به پیکر مطهر ایشان هستند و تهران و شهرهای مختلف ایران شاهد وداع با رهبری است که ایران را به سکوه‌های بلند اقتدار کشیده است.

### بازتاب جهانی و حضور هیئت‌های بین‌المللی

شهادت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی ایران در حالی رخ داد که او طی دهه‌ها به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین چهره‌های سیاسی جهان اسلام شناخته می‌شد. او برای بسیاری از مبارزان، نماد مقاومت سیاسی، ایستادگی در برابر فشارهای خارجی و حفظ استقلال سیاسی ایران بود. همین جایگاه باعث شده است که واکنش‌ها به این رویداد، محدود به مرزهای ایران نماند و در سطحی گسترده‌تر، از شرق آسیا تا اروپا و آفریقا را در بر بگیرد.

بر اساس گزارش‌های رسمی و رسانه‌ای، نمایندگان و هیئت‌های سیاسی از ده‌ها کشور—در برخی گزارش‌ها بیش از ۴۰ کشور و در برخی دیگر حتی بالای ۱۰۰ کشور—برای حضور در مراسم‌های رسمی وارد تهران شده‌اند. این سطح از مشارکت بین‌المللی، نشان‌دهنده وزن ژئوپولیتیکی این رخداد در معادلات جهانی است.

در کنار هیئت‌های رسمی دولتی، حضور چهره‌های سیاسی، مذهبی و فرهنگی نیز قابل توجه است. برخی تحلیل‌گران این حضور گسترده را نشانه‌ای از جایگاه فراملی آیت‌الله خامنه‌ای در جهان اسلام و همچنین نقش ایران در محورهای سیاسی منطقه‌ای می‌دانند. در همین چارچوب، مراسم تشییع در تهران نه فقط یک آیین سوگواری، بلکه به صحنه‌ای برای نمایش همبستگی سیاسی و بازتعریف نظم منطقه‌ای تبدیل شده است.



## اهمیت مسئله فلسطین در اندیشه سید علی خامنه‌ای

نویسنده: حسن صعب، نویسنده لبنانی ترجمه: تحریریه روایت

فلسطین همواره برای جمهوری اسلامی ایران، مسئله‌ای محوری و بنیادین بوده است. این کشور به دلیل پایبندی به این مسئله، هزینه‌های سنگینی پرداخته و همچنان نیز می‌پردازد؛ از تحریم‌ها و توطئه‌ها گرفته تا خون‌های پاک‌ی که مردم ایران در میدان‌های مختلف درگیری در سراسر منطقه غرب آسیا (خاورمیانه) از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز تقدیم کرده‌اند.

کتاب «مسئله فلسطین» منبعی مهم در ارتباط با همه ابعاد مربوط به مسئله ملت فلسطین و تقابل اسلامی - صهیونیستی به شمار می‌رود و همچنین دیدگاه رهبری ایران درباره ماهیت این رویارویی و راه‌های مقابله با رژیم اسرائیل و حذف آن را تبیین می‌کند. این کتاب به مهم‌ترین مواضع رهبر انقلاب، سید علی خامنه‌ای، در فاصله سال‌های ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۸ پرداخته است.

کتاب «مسئله فلسطین» توسط مؤسسه فرهنگی و پژوهشی انقلاب اسلامی تدوین و منتشر شده و انتشارات «دار الموده» در بیروت آن را ترجمه، تحقیق و توزیع کرده است.

در فصل نخست کتاب، به محورهای کلی مسئله فلسطین در اندیشه سید علی خامنه‌ای پرداخته می‌شود؛ از جمله اهمیت این مسئله. فصل دوم به تحلیل شکست‌ها و پیروزی‌های جهان اسلام در برابر رژیم صهیونیستی اختصاص دارد.

در فصل سوم، مسئولیت‌های امت اسلامی، ملت فلسطین، دولت‌های مسلمان، جمهوری اسلامی، رسانه‌ها، نخبگان و دیگر اقشار در دفاع از مسئله فلسطین مورد بررسی قرار می‌گیرد. فصل چهارم به جنایات رژیم صهیونیستی در طول اشغال سرزمین‌های فلسطینی می‌پردازد و فصل پنجم راه‌حل‌های درست و نادرست در خصوص این مسئله را بررسی می‌کند.

در فصل ششم، از شهیدان قهرمان و شخصیت‌های برجسته‌ای یاد می‌شود که تا واپسین لحظه برای قدس شریف ایستادگی کردند؛ از جمله شهید شیخ احمد یاسین، شهید دکتر فتحی شقاقی و شهید دکتر عبدالعزیز رنتیسی. همچنین مواضع فرمانده شهید قاسم سلیمانی پس از ترورش در بغداد در اوایل سال ۲۰۲۰ نیز افزوده شده است.

در فصل هفتم، مهم‌ترین پرسش‌ها و شبهات مطرح درباره مسئله فلسطین و مبارزه با رژیم اشغالگر قدس بررسی می‌شود و در نهایت، فصل هشتم به ترسیم چشم‌اندازهای روشن فلسطین در چارچوب آینده امت واحده اسلامی می‌پردازد.

بر اساس مقدمه کتاب، این اثر نخستین‌بار در پاییز سال ۲۰۱۱ منتشر شد و تاکنون چهار بار تجدید چاپ شده است. پس از مدتی نیز ترجمه آن به دو زبان عربی و انگلیسی منتشر گردید. از تابستان سال ۲۰۱۵ و هم‌زمان با مذاکرات هسته‌ای میان ایران و گروه ۵+۱، بازتاب‌ها و واکنش‌هایی نسبت به این کتاب در مطبوعات و رسانه‌های اسرائیلی، آمریکایی و غربی پدید آمد؛ چرا که این اثر دربردارنده دیدگاه‌ها و مواضع رهبر انقلاب اسلامی درباره آزادسازی فلسطین و نابودی «اسرائیل» است.

در اوایل اکتبر سال ۲۰۱۵، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی این کتاب را در برابر اعضای مجمع عمومی سازمان ملل متحد به نمایش گذاشت و به‌دروغ ادعا کرد که سید علی خامنه‌ای آن را چند روز پس از توافق هسته‌ای (۲۰۱۵) منتشر کرده است. او گفت: «این کتاب نقشه راهی است که مسئولان ایرانی برای نابودی "اسرائیل" ترسیم کرده‌اند.» وی برای نشان دادن اعتراض خود، به مدت ۴۴ ثانیه در برابر حاضران سکوت کرد و به چهره‌های آنان خیره شد.

برای تکمیل و بهره‌مندی بیشتر از این اثر ارزشمند، مطالب و بیانات آن تا نوامبر ۲۰۱۸ به‌روزرسانی و تکمیل شده است.

بر پایه وعده صادقانه سید علی خامنه‌ای، آزادسازی فلسطین و فروپاشی «اسرائیل» از خدادادهای حتمی خواهد بود و به خواست خدا، پیش از سال ۲۰۴۰ شاهد فروپاشی کامل این موجودیت اشغالگر و ستمگر خواهیم بود.

کتاب با سخنرانی مهمی از سید علی خامنه‌ای، به مناسبت دومین سالگرد روز جهانی قدس، در خطبه‌های نماز جمعه ۸ اوت ۱۹۸۰ آغاز می‌شود.

سید علی خامنه‌ای در این سخنرانی می‌گوید: «مسئله قدس، مسئله‌ای سرنوشت‌ساز برای ملت ما و همه فرزندان امت بزرگ اسلامی است. حتی اگر انقلاب اسلامی در درون این مرزها به پیروزی نهایی دست یابد، این به معنای تحقق پیروزی کامل نیست؛ چرا که تا زمانی که این زخم و این غده چرکین به نام دولت غاصب "اسرائیل" در قلب سرزمین‌های اسلامی و عربی وجود دارد، نمی‌توانیم خود را پیروز بدانیم. همچنین نمی‌توانیم حضور دشمن را در کنار گوش خود، در سرزمین‌های اشغال‌شده و غصب‌شده، تحمل کنیم.»

سید علی خامنه‌ای در بخش دیگری از سخنان خود تأکید می‌کند: «ما صهیونیسم را یک هدف یا مکتب، و یا حتی گرایشی یهودی نمی‌دانیم؛ بلکه آن را یک گرایش فاشیستی سیاسی متجاوز می‌دانیم که حیات خود را جز با ظلم، ستم و تصرف سرزمین‌های متعلق به مسلمانان مستضعف و محروم نمی‌تواند ادامه دهد.»

وی در پایان سخنرانی خود، خطاب به ملت مسلمان ایران چنین می‌گوید: «روز قدس، روز شعار بزرگ انقلاب اسلامی ماست و شما و ما باید خود را آماده کنیم. من امروز اعلام می‌کنم که باید هر روز بر آمادگی‌های نظامی، تسلیحاتی و تجهیزات رزمی خود بیفزاییم و کیفیت آن‌ها را ارتقا دهیم.»

در ادامه، کتاب بخش‌هایی از این مواضع تاریخی سید علی خامنه‌ای را نقل می‌کند:

سید علی خامنه‌ای در خطبه‌های نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۵ دسامبر ۲۰۰۰، فلسطین را از دو جهت مسئله جهان اسلام می‌داند: نخست آن‌که فلسطین بخشی از سرزمین اسلامی است و در این زمینه میان مذاهب اسلامی هیچ اختلافی وجود ندارد؛ همه فقها اتفاق نظر دارند که اگر بخشی از سرزمین اسلامی به دست دشمنان اسلام افتاده و حاکمیت آنان بر آن تحمیل شود، جهاد و تلاش برای بازپس‌گیری آن بر همگان واجب است. دوم آن‌که تأسیس «دولت یهودی» - یا به تعبیر دقیق‌تر صهیونیستی - در این منطقه از جهان اسلام، با اهدافی استکباری و بلندمدت صورت گرفته است. این دولت در منطقه‌ای حساس، در قلب جهان اسلام، که بخش غربی آن یعنی آفریقا را به بخش شرقی آن یعنی خاورمیانه و آسیا و شرق پیوند می‌دهد، ایجاد شده است؛ منطقه‌ای که در واقع مثلثی میان آسیا، آفریقا و اروپا را تشکیل می‌دهد. هدف از این اقدام آن بوده است که قدرت‌های استعماری آن زمان، به‌ویژه دولت بریتانیا، بتوانند در بلندمدت سلطه خود را بر جهان اسلام حفظ کنند.

بر این اساس، نجات فلسطین و برچیدن «دولت صهیونیستی» اشغالگر، مسئله‌ای است که با منافع ملت‌های این منطقه، از جمله منافع کشور عزیز ما ایران، گره خورده است. از این رو، هر کس مقابله با نفوذ و قدرت صهیونیست‌ها را به‌عنوان یک رویکرد برگزیده، در حقیقت بر پایه طرحی سنجیده و در چارچوب مصالح کشور و منافع عمومی جمهوری اسلامی و ملت ایران عمل کرده است.

در خصوص قدس نیز، سید علی خامنه‌ای در مراسم افتتاح کنفرانس جهانی حمایت از انتفاضه فلسطین در تاریخ ۲۴ اپریل ۲۰۰۱ می‌گوید: «قدس محور اصلی انتفاضه‌ی اقصی است و جرقه‌ای که خشم ملت فلسطین را شعله‌ور ساخت، اهانت صهیونیست‌ها به مسجد الاقصی بود».

سید علی خامنه‌ای در دیدار با قاریان شرکت‌کننده در بیست‌ویکمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم در تاریخ ۱۶ سپتامبر ۲۰۰۴ می‌گوید: «امروز به‌روشنی می‌بینید که آنان جنگی فراگیر و گسترده را علیه تمام امت اسلامی، نه فقط بخشی از آن، به راه انداخته‌اند. این جنگ ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، نظامی و امنیتی دارد و از ابزارهای گسترده رسانه‌ای مدرن نیز بهره می‌برد. آنچه امروز در فلسطین، عراق یا افغانستان مشاهده می‌کنید، جنگ علیه یک ملت خاص نیست؛ زیرا وقتی با فلسطین می‌جنگند، در حقیقت با موجودیت اسلام در این منطقه می‌جنگند. و اگر از نظام صهیونیستی با تمام توان حمایت می‌کنند، به این دلیل است که می‌خواهند مانعی بزرگ در برابر وحدت و قدرت جهان اسلام ایجاد کنند.»

وی در سخنرانی خود در حرم مطهر رضوی در تاریخ ۲۱ مارس ۲۰۱۱ می‌گوید: «می‌پرسند چرا ایران از مردم بحرین حمایت می‌کند؟ ما از همه حمایت کرده‌ایم. ما ۳۲ سال است که از ملت فلسطین حمایت می‌کنیم. کدام کشور یا دولت یا ملتی در طول این سال‌ها چنین حمایتی ارائه کرده است؟ آیا ملت فلسطین شیعه است؟ مردم ما چه تلاش‌هایی برای غزه انجام داده‌اند؟ ملت ما در هر جا نسبت به غزه، فلسطین، مصر و تونس احساسات خود را نشان داده است، در حالی که این‌ها شیعه نیستند. پس مسئله، مسئله شیعه و سنی نیست.»

سید علی خامنه‌ای در دیدار با اسرای آزادشده در تاریخ ۱۵ اگست ۲۰۱۲ تصریح می‌کند: «طرح مسئله فلسطین برای جمهوری اسلامی یک اقدام تاکتیکی نیست، بلکه مسئله‌ای اساسی و ریشه‌دار است که از عقیده اسلامی سرچشمه می‌گیرد. وظیفه ما این است که این سرزمین اسلامی را از سلطه قدرت‌های اشغالگر و حامیان بین‌المللی آن‌ها خارج کنیم و آن را به ملت فلسطین بازگردانیم. این یک وظیفه دینی بر عهده همه مسلمانان است و همه ملت‌ها و دولت‌های اسلامی باید به آن عمل کنند».

وی همچنین در پیامی به چهارمین کنفرانس حمایت از فلسطین در تاریخ ۴ مارچ ۲۰۰۹ تأکید می‌کند که این موجودیت اشغالگر، که طی چند دهه با تکیه بر ارتش و سلاح و با حمایت سیاسی و نظامی آمریکا، چهره‌ای هراس‌انگیز و شکست‌ناپذیر از خود نشان می‌داد، امروز دو بار (در لبنان و غزه) در برابر نیروهای مقاومت شکست خورده است؛ نیروهایی که بیش از تکیه بر سلاح و تجهیزات، بر ایمان به خدا و حمایت مردمی تکیه داشتند.

سید علی خامنه‌ای در پیامی برای محکومیت هتک حرمت حرمین عسکریین در عراق در تاریخ ۱۴ جون ۲۰۰۷ نیز می‌گوید: «دشمنان امروز در عراق، فلسطین، لبنان و هر نقطه‌ای از جهان اسلام که بتوانند، در پی شعله‌ور کردن آتش فتنه هستند و تلاش می‌کنند مسلمانان را در برابر یکدیگر قرار دهند و آنان را با بهانه‌های مختلف مذهبی، قومی و حزبی به جان هم بیندازند. بر مسلمانان است که اجازه ندهند این هدف ننگین و خطرناک تحقق یابد.»

سید علی خامنه‌ای در سخنرانی خود در مراسم افتتاح کنفرانس بین‌المللی حمایت از انتفاضه فلسطین در تاریخ ۲۴ اپریل ۲۰۰۱ تأکید می‌کند: «الگوی مقاومت و جهاد پیش روی ماست؛ به این معنا که می‌توان از طریق مقاومت و جهاد - و البته با پذیرش برخی هزینه‌ها - به پیروزی دست یافت. در عین حال، الگوی شکست و چنگ زدن به راه‌های سازش و گدایی صلح نیز در برابر ما قرار دارد که ثمره‌ای جز تحقیر، ذلت و در نهایت تحمیل خواسته‌های یک‌جانبه اسرائیل ندارد؛ و ما این واقعیت را به چشم خود دیده‌ایم.»

وی در سخنرانی دیگری در جمع گسترده‌ای از زائران حرم امام خمینی(ره) در تاریخ ۴ جون ۲۰۰۲ اظهار می‌دارد که راه‌حل مسئله فلسطین از مسیر طرح‌های تحمیلی و ساختگی نمی‌گذرد. به‌باور او، تنها راه‌حل آن است که مردم واقعی فلسطین - نه مهاجران اشغالگری که به این سرزمین آمده‌اند - چه آنان که در داخل فلسطین زندگی می‌کنند و چه آنان که از آن کوچانده شده‌اند، خود نظام حاکم بر کشورشان را تعیین کنند.

او می‌افزاید: اگر در گفتمان مدعیان دموکراسی در جهان، تکیه بر آرای مردم امری بدیهی و خدشه‌ناپذیر است، ملت فلسطین نیز یک ملت است و باید خود درباره سرنوشتش تصمیم بگیرد. موجودیت غاصبی که اکنون بر سرنوشت فلسطین مسلط شده، هیچ‌گونه حق و مشروعیتی در این سرزمین ندارد؛ بلکه پدیده‌ای ساختگی و تحمیلی و محصول قدرت‌های ستمگر است.



### خامنه‌ای؛ اسطوره‌ی ماندگار بر سپهر تاریخ و جهان اسلام

نویسنده: شفیق الله احدی

حد اقل پس از یک قرن جهان اسلام قهرمانی را از دست داده است که دشمن را به تمام معنا شناخت و هرگز فریب نیرنگ‌های او را نخورد. پس از جنگ‌های صلیبی مسلمانان همواره در دام فریب و حیل‌های صلیبی‌ها گیر افتاده‌اند و یکی از عوامل فروپاشی‌ها نیز رخنه‌ی دشمن در میان رهبری حکومت‌های اسلامی بوده است.

امام خامنه‌ی از آوان جانشینی به عنوان رهبر مذهبی و سیاسی ایران همواره به این نکته تأکید داشت که آنها(امریکا و اسرائیل) دروغ می‌گویند و صادق نیستند. نباید با آنها وارد مذاکره شد، زیرا، به مذاکره و گفتگو باور ندارند.

بله، او درست می‌گفت. دشمن را شناخته بود و این نقطه قوت او بود که تا آخرین رمق حیات در دام دشمن نیفتاد و آگاهانه و با اقتدار رهبری کرد. در برابر امام خامنه‌ی بدنام‌ترین و منفورترین چهره‌های جهانی قرار داشت و همین کفایت که قدرت معنوی و پاکیزگی شخصیتی او را بفهمیم.

وقتی پرونده‌ی اپستین بدنام‌ترین انسان روی زمین و قاچاقچی جنسی کودکان افشا شد، ترامپ در تمام صفحات این پرونده حضور داشت/دارد. امام خامنه‌ای شهید در برابر چنین انسانی ایستاده بود. یا نتانیاهاو که قوت‌های زیر فرمانش از هیچ کشتار، تجاوز و شکنجه‌ی مردمان غزه دریغ نکرد و تا گلو در خون بیگناهان غزه غرق است، خامنه‌ای شهید دشمن چنین انسانی بود.

ازین‌رو انصاف نیست که جنگ امروز و شهادت امام خامنه‌ای را به صرف جنگ دو کشور تقلیل دهیم. این جنگ، جنگ تمدنی و نبرد حق و باطل است. این نبرد تعیین کننده است که آینده‌ی جهان به دست چه کسانی خواهد بود، به دست کسانی که به کودکان تجاوز کردند و اسم‌شان در بدنام‌ترین پرونده‌های جنسی است، یا به دست کسانی که پرچم حق به دست گرفته در برابر چنین انسان‌ها و قدرت‌های ایستاده است؟. این زمانی مشخص می‌شود که موضع جهان معلوم شود، اینکه در کنار کدام یک قرار می‌گیرند، حق یا باطل؟.

ایران هر قدر شهید بدهد، پیروز این میدان است. زیرا این کشور در برابر دو چهره‌ی بدنام تاریخ ایستاده که لکه‌ی ننگی بر دامن انسانیت‌اند و از قدرت برای ستم به ملت‌های دیگر استفاده می‌کنند. شهادت امام خامنه‌ای در واقع آغاز نوشتن تاریخ جهان از نو است. تاریخی که دیگر موشک‌های ایران جای سجیل را در آن می‌گیرند و بر فرق ابرهه و اصحاب فیل می‌بارند.

شهادت امام خامنه‌ای در واقع عین زندگی است. و زندگی که در چنین راهی صرف نشد، عین مرگ است. او با دادن جان خویش به مصداق «هیأت من الذله» ثابت کرد که ذلت را نمی‌پذیرد، حتا اگر جان خویش را از دست بدهد. چه افتخار و بزرگی در چنین منش و شیوه‌ی زندگی نهفته است.

سید علی خامنه‌ای در بخشی از خطبه نماز جمعه تهران در تاریخ ۱۵ دسامبر ۲۰۰۰ نیز بیان می‌کند: «اسناد تاریخی نشان می‌دهد که پیش از آن‌که تأسیس "دولت اسرائیل" خواست یهودیان باشد، هدفی استعماری برای دولت بریتانیا به شمار می‌رفت. شواهد تاریخی حاکی از آن است که بسیاری از یهودیان در آن زمان چنین دولتی را ضروری یا حتی به سود خود نمی‌دانستند و از آن گریزان بودند. بنابراین، این مسئله بیش از آن‌که یک خواست یهودی باشد، طرحی استعماری از سوی بریتانیا بوده است.»

او در ادامه توضیح می‌دهد که پس از آن، ایالات متحده میراث سلطه و سیاست‌های استعماری بریتانیا را به دست گرفت و این میراث در چارچوب انتقال قدرت‌های استعماری به آمریکا قرار گرفت. آمریکایی‌ها نیز این دستاورد را به‌خوبی به کار گرفتند و همچنان از آن بهره‌برداری می‌کنند.

سید علی خامنه‌ای در سخنرانی خود در نخستین کنفرانس اسلامی درباره فلسطین در تاریخ ۴ دسامبر ۱۹۹۰ تصریح می‌کند: «حکم فقهی در این مسئله (دفاع از فلسطین) روشن است و در میان مسلمانان کسی در آن تردید ندارد. این همان مسئله‌ای است که در همه کتاب‌های فقهی در باب جهاد مطرح شده است؛ هیچ‌یک از فقهای مسلمان، چه پیشینیان و چه متأخران، در وجوب جهاد عینی هنگامی که سرزمین‌های اسلامی مورد اشغال قرار گیرد یا در محاصره دشمنان واقع شود، تردیدی نداشته‌اند.»

وی در سخنرانی خود در تاریخ ۹ سپتامبر ۲۰۱۵ نیز می‌گوید: «پس از پایان این مذاکرات هسته‌ای، شنیدم که صهیونیست‌ها در فلسطین اشغالی گفته‌اند که با این مذاکرات، برای ۲۵ سال از نگرانی ایران آسوده شدیم و پس از آن به آن خواهیم پرداخت. در پاسخ می‌گویم: اولاً شما ۲۵ سال آینده را نخواهید دید؛ ان‌شاءالله تا آن زمان، به لطف و عنایت الهی، چیزی به نام رژیم صهیونیستی در منطقه باقی نخواهد ماند.»

او همچنین در سخنرانی خود در ششمین کنفرانس حمایت از انتفاضه فلسطین در تاریخ ۲۱ فبروری ۲۰۱۷ بیان می‌کند: «این جنایت (غصب فلسطین) صفحه‌ای ننگین از صفحات تاریخ است که همچون دیگر صفحات سیاه، به یاری خداوند بسته خواهد شد؛ چنان‌که خداوند فرموده است: «همانا باطل نابودشدنی است.» (اسراء: ۸۱) و نیز در کتاب خود فرموده است: «زمین را بندگان شایسته من به ارث خواهند برد.» (انبیاء: ۱۰۵).



### نقش شهید خامنه‌ای در زنده‌نگهداشتن روایت فلسطین

نویسنده: ع. عمار

پس از امام خمینی، شهید آیت‌الله سید علی خامنه‌ای (رح) این داعیه را در ابعاد گسترده‌تر مطرح ساخت. در زمان رهبری او روایت فلسطین تنها در سطح شعارهای حماسی-انقلابی‌ای که درجاده‌ها سرداده می‌شود باقی نماند که به گفتمان‌ها و محافل سیاسی راه بازکرد. در شرایطی که اتحادیه کشورهای عربی در مقابل اشغال سرزمین‌های فلسطین و سرکوب و کشتار بی‌رحمانه کودکان، زنان و جوانان فلسطینی آتش خشم‌های حماسی- انقلابی خود را با صدور اعلامیه‌های بی‌خاصیت فرو می‌خوردند، آیت‌الله خامنه‌ای با وجود محدودیت‌های مرزی و انحصار شدید فلسطین از سوی کشورهای عربی همسو با رژیم اشغال، در فکر حمایت سیاسی و تجهیز گروه‌های مسلح فلسطینی (حماس و جهاد اسلامی) بود.

واقعیت این است که ایران تحت رهبری او برای روایت فلسطین تا اکنون بهای سنگینی پرداخته است. اینکه رژیم صهیونیستی اسرائیل ایران را برای خود یک خطرو وجودی می‌داند، موضوع ساده و سطحی نیست، بل حکایت از نقش محوری آن در به چالش کشیدن سلطه هژمونیک و محدودساختن حوزه نفوذ رژیم اشغال‌گر در منطقه است. شهید خامنه‌ای می‌توانست در ازای تأمین منافع زیادی برای خود و کشورش مثلاً رفع تحریم‌ها، از این داعیه عقب‌نشینی کند. او تمام محدودیت‌ها و تحریم‌ها را پذیرفت و وابستگی و تنازل از حمایت فلسطین را نپذیرفت.

صرف نظر از جزئیات زیاد و دامنه وسیع این بحث، یادآوری طوفان الأقصى در ۷ اکتوبر ۲۰۲۲ و نقش تعیین‌کننده ایران به رهبری شهید خامنه‌ای برای تبیین نقش و تلاش او برای زنده‌نگهداشتن و میدانی‌ساختن روایت فلسطین کافی است؛ چیزیکه شهید یحیا سنوار رحمه‌الله از پیش‌تازترین رهبران مقاومت علیه رژیم اشغال‌گر خود بی‌پرده به این سخن اذعان کرده است.

آری! پیش از طوفان الأقصى با وجود تلاش‌های زیاد، بازهم در سطح بین‌الملل داعیه برحق فلسطینیان از زاویه دوربین رسانه‌های رژیم اشغال‌گر اطلاع‌رسانی می‌شد. اطلاع‌رسانی‌ای که در آن، رژیم تا دندان مسلح و دارای قدرت هسته‌ای، مظلوم و حق به جانب بود و کودک فلاخن به‌دست تروریست. به تعبیر دیگر رژیم نه تنها سرزمین‌ها را اشغال کرده بود که زاویه دید دوربین‌ها را نیز خودش تعیین می‌کرد هم جلاد بود و هم قربانی.

اما طوفان الأقصى این انحصار را شکست و فاصله بین سوژه و مخاطب را در فضای دیجیتال از بین برد و باعث شد که برای نخستین بار در تاریخ مبارزات مردم فلسطین، وجدان‌های بیدار در خیابان‌ها و دانشگاه‌های غرب، برای هم‌سوئی با داعیه مردم فلسطین و حمایت از آن راهپیمایی کنند. این بحث ابعاد و جزئیات زیادی دارد که پرداختن به آن در این مقام ملال‌آور است، بماند به فرصت دیگر و توفیق دیگر. به امید آزادی فلسطین، بیداری و همگرایی مسلمانان.

ماهیت اصلی رویارویی‌های تاریخی را نمادها و روایت‌های بنیادین آن تعریف می‌کند. یکی از تکتیک‌های قدرت‌های استعماری قرن بیستم تقسیم جغرافیای جهان اسلام به حوزه‌های کوچک زبانی، قومی جغرافیایی و روی‌کارساختن حکومت‌های وابسته به خود بود. روایت فلسطین و قدس به عنوان یک نماد دینی-تاریخی نخست از دایره بزرگ انسانی و اسلامی‌اش به داعیه قومی-عربی تقلیل داده شد، سپس در دایره کوچک‌تر ملی-محلی منحصر ماند. تا مسلمانان در کشورهای دور و نزدیک جهان اسلام نتوانند برای داعیه فلسطینیان دادخواهی کنند. مثلاً جنبش جهانی اخوان المسلمین که از نخستین پرچم‌داران مبارزه علیه اشغال فلسطین در پی سقوط خلافت عثمانی‌ها بود، با وضع محدودیت‌های مرزی بین فلسطین و مصر به و سیله حکومت‌های ملی‌گرای قومی، خیلی زود از مرکز مبارزات گرم دادخواهی برای فلسطین به انزوا کشانده شد.

اگرچه آرمان و روحیه آزادی فلسطین و قدس به‌عنوان میراثی که در ذهنیت نسل‌های مسلمان زنده نگهداشته شود، با کشیدن مرزها از بین نرفت اما خواهی‌نخواهی در میدان عمل روایت فلسطین-قدس از بحث‌ها و تحلیل‌های بی‌طرف میدانی به دور ماند. یک ملت بی‌دفاع و صاحب کهن‌ترین تاریخ در معرض سرکوب، کشتار و اشغال، عقده‌مندترین گروه تاریخ بشر قرار داده شد و با گذشت هر روز، طنین صدای آزادی‌خواهانه‌اش ضعیف، سست و ناتوان‌تر شد.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری مرحوم آیت‌الله روح‌الله خمینی (رح) در ۱۳۵۷ خورشیدی، به‌عنوان یک تحول بزرگ در قرن بیستم، در میان گروه‌های اسلامی در جهان اسلام، جرقه‌های امید را تازه کرد و به پیکر مبارزات آزادی‌خواهی روح جدید بخشید، اما این زمانی بود که دولت‌های ملی‌گرا و دستگاه‌های استخباراتی آن پایه‌های نفوذ خود را در کشورهای اسلامی مستحکم و زمینه تبارز گروه‌های آرمان‌گرای مسلمان را نسبت به گذشته تنگ‌ترساخته بود؛ به گونه‌ای که هر نوع تحرک و اعتراض مدنی، به معنای شورش علیه نظام‌ها تلقی می‌شد و بهانه سرکوب این جریان‌ها را فراهم می‌کرد.

یکی از ابتکارهای آیت‌الله خمینی نام‌گذاری هفته اخیر ماه رمضان به نام بزرگ‌ترین نماد مسلمانان یعنی قدس بود. این ابتکار در روند تاریخی‌ای فوق، باعث شد که در گوشه و کنار جهان اسلام ملت‌های مسلمان از آن استقبال کنند. روز جهانی قدس در کنار پخش روایت جمهوری اسلامی، داعیه فلسطین را نیز از پس‌خانه‌های انحصار رژیم اسرائیل کم‌کم میدانی ساخت و هر سال در کشورهای مختلف این روایت را به گوش جهانیان فریاد زد.



## خامنه‌ای و نظم جهانی

نویسنده: حسین رسولی

گروه های انسانی پس از سپری نمودن مراحل ابتدایی زندگی و یا به سخن مارکسیست ها «کمون اولیه» که سبک زیست شان بصورت «آنارشیک» بود، در تلاش برای ایجاد و اجرایی‌نظم، قواعد و قوانین در زیست جمعی بودند و بعد از گذشت سال‌ها از تاریخ عمر بشر؛ با شکل گیری نظام و سیاست بین المللی، نظم و نحو سیاست گذاری برجسته‌تر گردید. اما، آنچه بیشتر اهمیت دارد؛ بازیگران در نظام بین الملل اند. همواره هر تحول، تعامل و تقابل در سطح بین المللی از اندیشه، تفکر و عمل انسان های نشأت گرفته است که قدرت بازیگری بهتری را بلد بودند و یا توانسته اند روایت های خویش را به ابعاد مختلف جهان گسترش بدهند. انسان به عنوان یک بازیگر در سطح پایین معمولاً تأثیر گذار بر نظام بین الملل در سطح بالا بوده است؛ در نظام های دینی همواره با اسم های؛ عیسی مسیح، محمد (ص) و... در نظام فاشیستی با اسامی؛ هتلر، موسیلینی و... در نظام مارکسیستی با نام های؛ لیلین، استالین و... و در نظام لیبرالیستی با اسم های؛ ویلسون، تاچر و... مواجه هستیم. در حقیقت نظام و سیاست بین المللی خلقت تفکر و روایت انسان ها است. در همین مسیر اسم نظام اسلامی در قرن بیست و یکم نیز با اسم انسان های چون؛ خمینی و خامنه‌ای گره خورده است.

### خامنه‌ای کیست؟

آیت الله سید علی خامنه‌ای، بدون تردید از برجسته‌ترین رهبران سیاسی-دینی جهان در قرن بیست و یکم به شمار می‌رود و از تأثیر گذارترین چهره های سیاست بین الملل در چهار دهه‌ای اخیر می‌باشد. علی خامنه‌ای در ۲۴ تیر ماه ۱۳۱۸خ، ( ۱۵ ژوئیه ۱۹۳۹) که مصادف به سال آغاز جنگ جهانی دوم است در شهر مشهد به دنیا آمد. ایشان در یک خانواده روحانی زاده شد و این موضوع نقش مهمی در فهم و دانش دینی اش داشت. خامنه‌ای بعد از اتمام دروس ابتدایی در حوزه علمیه مشهد، وارد حوزه علمیه قم گردید و با شخصیت های مذهبی چون؛ آیت الله خمینی و آیت الله طالب زاده آشنا شد. آشنایی و شاگردی اش نزد این اشخاص نقش مهمی در پیمودن مدارج فقهی و تفسیری وی داشت و بعداً از همین مجرا وارد فعالیت های سیاسی گردید.

علی خامنه‌ای، در اوایل دهه‌ای چهل خورشیدی، به صف مبارزات سیاسی علیه نظام شاهی پهلوی، پیوست و از برجسته‌ترین جوانان مذهبی انقلابی به شمار می‌آمد. در سال ۱۳۵۶ توسط سازمان «ساواک» دستگیر و به ایرانشهر تبعید گردید. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ ایران، سید آیت الله خامنه‌ای، از کلیدی ترین چهره ها در ساخت و ساختار نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌گردد که به بلندترین سکان های دولتی راه یافت و سخت ترین مسوولیت ها را برعهده گرفت. خامنه‌ای، با عضویت در «حزب جمهوری اسلامی»، تبدیل به یکی از اصلی ترین اعضای حزب شد.

عضو شورای انقلاب اسلامی، نمایندگی مجلس، امام جمعه تهران و نماینده رهبری در شورای دفاع، از مهم‌ترین وظایف سیاسی ایشان قبل از رسیدن به ریاست جمهوری می‌باشد. آیت الله خامنه‌ای، بعد از ترور محمد علی رجایی رئیس جمهور ایران در سال ۱۳۶۰خ، به نمایندگی از حزب جمهوری اسلامی و مدرسین حوزه علمیه قم کاندید انتخابات ریاست جمهوری شد و با کسب اکثریت آرا به بالاترین مقام سیاسی در ایران راه یافت و با پیروزی در دور دوم انتخابات خویش تا سال ۱۳۶۸خ، به عنوان رئیس جمهور ایران فعالیت نمود.

آیت الله سید علی خامنه‌ای، همزمان با رحلت بنیانگذار انقلاب اسلامی؛ آیت الله روح الله موسوی خمینی در سال ۱۳۶۸خ، به عنوان با تجربه ترین چهره‌ای سیاسی و انقلابی و شخصیت برجسته‌ای مذهبی و فقیه عصر توسط شورای خبرگان، به عنوان رهبر معظم جمهوری اسلامی ایران، تعیین گردید و تا پایان عمر به مدت ۳۷ سال به حیث شخص درجه اول رهبری در امور سیاسی و مذهبی ایران حکمرانی نمود. آیت الله خامنه‌ای، سر انجام در سن ۸۶ سالگی، روز شنبه ۱۴۰۴/۱۲/۹خ در دفتر کارش به همراه تعدادی از خانواده اش بر اثر بمباران نیرو های متجاوز آمریکایی-اسرائیلی در تهران به شهادت رسید تا کارنامه‌ای معنوی خویش را نیز با کسب بالاترین مدارج ممکن برساند. حضرت آیت الله العظمی شهید سید علی حسینی خامنه‌ای، مهم‌ترین و نقش آفرین ترین چهره‌ای سیاسی در تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود و از محدود شخصیت های است که تمام سکو های بلند سیاسی و مذهبی این کشور را تجربه نموده است. بدون تردید بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی تا کنون اسم ایران و اسم انقلاب اسلامی با اسم سید علی خامنه‌ای گره خورده است و با فدا نمودن جان خویش و ریختن آخرین قطرات خون اش در مسیر آرمان های ایران، اسلام و انقلاب نام خویش را تا ابد رست‌آخیز جاویدانه ساخت.

### دوران مبارزه و آثار آن

همانطور که از کارنامه‌ای پربار آیت الله خامنه‌ای بحث کردیم در این بخش مهم‌ترین اثر های دوران مبارزه، فعالیت و خدمات ایشان را بررسی می‌کنیم.

ظهور ایران در نظام بین الملل :همانطوریکه تاریخ روایت می‌کند، بعد از سرنگونی حکومت قاجار و حاکمیت ۵۷ ساله‌ای خاندان پهلوی در ایران، بیشترین نقد های وارد شده بر نظام شاهی پهلوی عدم استقلال سیاسی است. کشوریکه کلیه‌ای تصامیم کلیدی ملی اش به واسطه‌ای انگلیس و سپس آمریکا گرفته می‌شد. دولت ایران صحنه‌ای بین المللی منزوی بود و قطعاً بازیگر مهمی به چشم نمی‌آمد. همین امر یکی از دلایل برپایی انقلاب بود. با پیروزی انقلاب و سپس رهبری خامنه‌ای، ایران از محدود کشور های دارای استقلال سیاسی در جهان بود/است. دولتی که هر گونه‌ای جبهه های بین المللی را نمی‌پذیرفت و برای ایران و ملت ایران روایت خاص خودشان در جهان تعریف و تبلیغ می‌کرد/می‌کند.

ظهور اسلام در سیاست بین الملل :با ضعف، انزوا و سپس سقوط امپراطوری عثمانی در دهه‌ای سوم قرن بیستم میلادی، برای چند دهه اسلام از صحنه‌ای سیاست بین الملل کنار رفت و همه تصورات مبنی بر پایان و حذف دین از سیاست و حاکمیت بود. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در اواخر دهه‌ای هشتاد، جان تازه‌ای بر پیکر مرده‌ای اسلام سیاسی داده شد. رهبران این انقلاب اسلامی با بنیانگذاری و تشکیل دولت اسلامی و تعریف روایت انقلاب و صدور آن به سایر ملت های مسلمان جهان بار دیگر جایگاه دین و اسلام در سیاست بین الملل تثبیت کردند.

تلاش های خامنه‌ای، از روز پیروزی انقلاب اسلامی تا پایان دوران رهبری اش برای تقویت جایگاه اسلام در سطح بین‌المللی بخصوص استفاده نماینده های ایران برای تعریف و تبلیغ این دین از فرصت های بدست آمده در سازمان های منطقه‌ای و بین‌المللی به ویژه ملل متحد بخش از این تلاش هاست.

تجدید نظر طلبی در نظم جهانی :انقلاب در سال ۱۹۷۹م، در شرایط به پیروزی رسید که جهان اوج جنگ سرد را در خودش تجربه می‌کرد. دنیا دارای نظم دو قطبی و با اسم های؛ شرق و غرب، آمریکا و شوروی، ناتو و ورشو، امپریالیسم و کمونیسم، جای برای سایر بازیگران نگذاشته بود. کشور ها می‌بایست در یکی از بلوک های قدرت می‌پیوستند و یا در بهترین حالت ممکن اعلام بی طرفی می‌کردند و به کشور های «جنبش عدم تعهد» ملحق می‌شدند. برخلاف جو حاکم سیاسی در نظام بین‌الملل و دور از تصور، انقلاب اسلامی در ایران با شعار و هدف؛ «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» به پیروزی رسید. رهبران این انقلاب بدون هیچ هراس و یا پذیرش یکی از بلوک های قدرت، روایت جدید را در سیاست و نظام جهانی تعریف کرد و با غیر قابل پذیرش دانستن نظام دو قطبی، به عنوان بازیگر «تجدید نظر طلب» وارد عرصه‌ای سیاست بین‌الملل شد. هدف که آیت الله خامنه‌ای نیز تا دوران شهادت اش از آن دست نکشید.

### مرحله‌ای شهادت و پیامد های آن

با بررسی که در باره فعالیت های دوران سیاسی آیت الله خامنه‌ای و آثار آن برای ایران در سطح بین‌المللی نمودیم. این قسمت مقاله را به پیامد های شهادت خامنه‌ای توسط متجاوزین و تروریستان بین‌المللی اختصاص می‌دهیم با توجه به نظام و ساختار که ایشان در طول حیات سیاسی خویش آن‌را ایجاد و آماده‌ای پیمودن مسیر و هدف از قبل تعیین شده نموده بود.

اتحاد ایرانی :ایران سرزمین پهناور، دارای تمدن کهن و همراه با تنوع اقوام، قبایل و مذاهب می‌باشد. با گذشت هر روز از عمر «ایران بزرگ» قسمت از این خاک جدا و یا تجزیه می‌شد، این موضوع از بدترین کارکرد های برخی از دولت های قبلی این کشور به حساب می‌آید. دولت جمهوری اسلامی ایران، حفظ تمامیت ارضی و اتحاد ملت ایران را از اساسی ترین اولویت های دولت خویش عنوان نموده است. با این حال در سال های پسین با رهبری سید علی خامنه‌ای، گاهی مخالفت های سیاسی و عدم اتحاد مردم دور یک روایت واحد از موضوعات بوده است که به عنوان چالش در این نظام مطرح شده است. در این شرایط و برهه‌ای زمانی ملت ایران برای رسیدن به یک اتحاد همه جانبه که معیار فقط ایران و اسلام باشد، نیازمند یک پیام عمیق، یک اتفاق جدی و یک تلنگر قدرتمند بودند تا این آگاهی مانند خون در رگ همه‌ای ملت ایران جاری شود. اما، امروز مشخص شد که این اتفاق و این آگاهی تنها از مسیری خون رهبری خردمندی می‌گذرد که تمام عمر اش را صرف اتحاد ملت اش نموده است. با ترور شهید خامنه‌ای توسط بدترین دشمنان بشریت که چیزی چشم طعمه به دارایی های سایر ملت های جهان ندارند. ملت ایران بیدار شد، آگاه شد، یک صدا شد و متحد شد. به همین علت بیش از دو ماه بعد شهادت رهبر شان، تمام شب ها یک صدا فقط برای ایران، برای اسلام، برای امام شهید شان میلیون ها ایرانی بدون توجه به تمام تفاوت و تنوع ها سرود اتحاد را زمزمه، تبلیغ و تأیید می‌کنند. امر که پیامد شهادت آیت الله خامنه‌ای می‌باشد.

بیداری اسلامی :در بخش های قبلی مقاله تذکر داده شد که از مهمترین اهداف انقلاب اسلامی ایران، بیداری اسلامی برای سایر ملت های مسلمان جهان، صدور این انقلاب و تثبیت سیاست اسلامی در نظام بین‌المللی می‌باشد. کارگزاران جمهوری اسلامی همواره این هدف را مورد توجه قرار دادند و آیت الله خامنه‌ای در طول ۳۷ سال رهبری اش در ایران همواره به بیداری ملت های مسلمان، ایستادگی ملت ها و دولت های اسلامی در مقابل رژیم های مستبد، وحدت و تقویت امت اسلامی و حمایت از ملت های ضعیف و مظلوم جهان تأکید نموده است.

انقلاب ایران در سال ۱۳۵۷ با هدف بیداری اسلامی پیروز شد و اکنون بعد از گذشت حدود ۴۷ سال با شهادت دومین رهبر این انقلاب در سال ۱۴۰۴خ، صحنه‌ای جدید رقم خورده است. به نحوی می‌توان گفت با شهادت آیت الله خامنه‌ای ویرژن جدیدی از بیداری ملت های مسلمان به جهان اسلام صادر شده است. با شهادت مظلومانه خامنه‌ای برای مردم جهان بخصوص مسلمانان چهره واقعی و وحشی صفتی آمریکایی-اسرائیلی هویدا گردید. این اتفاق باعث شد میلیون مسلمان در ممالک اسلامی به خیابان ها بریزند، بیزاری خویش از استکبار جهانی اعلام کنند، به نهاد ها و مراکز آمریکایی در منطقه حمله کنند، شعار؛ «یا ایاهل المسلمون اتحدو اتحدو» را معیار قرار بدهند و جنبش های نظامی منطقه‌ای را برای مبارزه علیه آمریکا و اسرائیل راه بیانازند. این امر نیز پیامد مهم شهادت رهبر انقلاب اسلامی می‌باشد.

تحول نظم بین‌المللی :همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران، این کشور جزء بازیگران تجدید نظر طلب در نظم جهانی بود. در دوران پیروزی انقلاب اسلامی، نظام دو قطبی در جهان حاکم بود و بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروری و پایان جنگ سرد در سال ۱۹۹۱م، نظام بین‌المللی به سمت تک قطبی شدن با هژمونی ایالات متحده آمریکا رفت. در این مرحله آیت الله خامنه‌ای رهبری ایران را بر عهده داشت و همواره از آمریکا به عنوان نظام مستبد و مستکبر جهان یاد می‌کرد و ضرورت پایان اربابی این نظام طاغوتی را به صورت جدی مطرح می‌نمود. ابعاد نظامی، سیاسی و سازمانی قدرت آمریکا با در اختیار داشتن رسانه ها برای تحریک افکار عمومی، آمریکا را در این جایگاه رسانیده بود و هیمنه و هیبت پولادین از آمریکا به بیرون تصویر می‌کردند. با شهادت آیت الله خامنه‌ای توسط این متجاوزان و خون‌خواهی نیرو های مسلح ایران برای انتقام رهبر و سایر شهدا، جنگ وارد مرحله‌ای جدیدی شد و با گذشت بیش از چهل روز از یک جنگ نا متقارن، تمام ابعاد قدرت آمریکا توسط ایران به چالش کشیده شد. انهدام ده ها نوع جنگنده و پهپاد های آمریکایی از جمله F۳۵ و آواکس، انهدام راهدار های آن در منطقه، حمله به تمام پایگاه ها و نهاد های وابسته به آمریکا در منطقه، کشته شدن نیرو هایش، دست رد ناتو بر سینه‌ای آمریکا برای کمک به آن، نپذیرفتن هیچ کشوری در جهت همراهی آمریکا در این جنگ و... همه نشان دهنده چالش های جدی آمریکا در ابعاد قدرت خویش و مدیریت سایر کشور و سازمان ها است. چالش هایکه آغاز برای زوال یک امپراطوری و تغییر در نظم بین‌المللی محسوب می‌گردد. آمریکایی بعد از پایان جنگ با ایران مسلماً دیگر آمریکایی نخواهد بود که قبل از آن داعیه‌ای اربابی بر جهان را داشت. همه‌ای این درماندگی ها و شکست ها در نتیجه‌ای شهادت مرد است که جهان تصور می‌کرد عمر جمهوری اسلامی به عمر او وابسته است. اما شهید خامنه‌ای نشان داد او معمار سیستم و حافظ هدف بوده است که در تقابل با نظم مستبد تا پای پیروزی خواهد رزمید.

### نتیجه گیری

نظام بین‌المللی دارای کنشگران متفاوت است و مهم‌ترین کنشگر در آن انسان ها اند. رهبران سیاسی، نظامی، دینی و... همواره برای به کرسی نشاندن روایت و اندیشه های شان وارد تعامل و تقابل می‌شوند تا تحولی را در نظم جهانی ایجاد کنند. به باور نویسنده؛ آیت الله سید علی خامنه‌ای، از مهم‌ترین بازیگران در نیم سده‌ای اخیر نظم جهانی بوده است. با پیروزی انقلاب اسلامی، اسلام را پس از سال‌ها به متن سیاست بین‌المللی می‌آورد، در دل نظام دو قطبی مدعی برقراری نظام اسلامی می‌شود، با شکل گیری نظم تک قطبی آمریکایی، این نظام را نامشروع و ظالم عنوان می‌کند، همواره بر تجدید نظر طلبی تأکید داشته و اکنون با شهادت اش، دولت میراث مانده از او تمام ابعاد قدرت آمریکا را به عنوان قدرت یکه تاز جهان به چالش کشانیده و در آستانه‌ای انزوا قرار داده است.



## دو رهبر؛ نگاهی به روابط رهبر ایران و استاد شهید

نویسنده: تحریریه روایت

افزون بر این، مفهوم «بیداری اسلامی» به‌عنوان یکی از محورهای فکری مشترک میان این دو رهبر قابل توجه است. در سال‌های پایانی عمر ربانی، او بارها به تأثیر گفتمان بیداری اسلامی در میان جوانان مسلمان اشاره کرده و نقش ایران در ترویج این گفتمان را برجسته دانسته بود. این نگاه نشان می‌دهد که ربانی، فراتر از ملاحظات صرفاً سیاسی، به نوعی همگرایی فرهنگی و فکری در جهان اسلام باور داشت. از سوی دیگر، سید علی خامنه‌ای نیز همواره بر وحدت امت اسلامی و لزوم همکاری میان مذاهب مختلف تأکید کرده است؛ موضوعی که با رویکرد ربانی در حمایت از تقریب میان شیعه و سنی همسو بود.

بعد سوم این رابطه را می‌توان در همکاری‌های منطقه‌ای، به‌ویژه در ارتباط با بحران افغانستان، جست‌وجو کرد. در دوره‌ای که طالبان به‌عنوان یک نیروی افراط‌گرا در حال گسترش نفوذ خود بود، ایران از گروه‌های مخالف طالبان، از جمله جمعیت اسلامی به رهبری ربانی، حمایت می‌کرد. این حمایت نه تنها به‌دلیل ملاحظات امنیتی، بلکه در راستای مقابله با افراط‌گرایی و حفظ ثبات منطقه‌ای صورت می‌گرفت. ربانی نیز با درک نقش ایران در معادلات منطقه، به این کشور به‌عنوان یک شریک مهم می‌نگریست. این همکاری‌ها، هرچند در قالب ائتلاف‌های رسمی گسترده تعریف نمی‌شد، اما در عمل به ایجاد نوعی هم‌افزایی در برابر تهدیدات مشترک انجامید.

در سال‌های پایانی زندگی ربانی، این روابط همچنان ادامه یافت. سفر او به تهران برای شرکت در کنفرانس بیداری اسلامی و دیدار با مقامات ایرانی، از جمله نشانه‌های تداوم این ارتباط بود. این سفر در شرایطی انجام شد که ربانی به‌عنوان رئیس شورای عالی صلح افغانستان، نقش مهمی در تلاش برای پایان دادن به جنگ ایفا می‌کرد. چند روز پس از این سفر، ترور ربانی نه تنها افغانستان، بلکه بسیاری از کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار داد. واکنش سریع و ابراز تأثر عمیق از سوی رهبر ایران، و همچنین اعزام هیئتی برای شرکت در مراسم تشییع، نشان‌دهنده عمق روابط و احترام متقابل میان دو طرف بود.

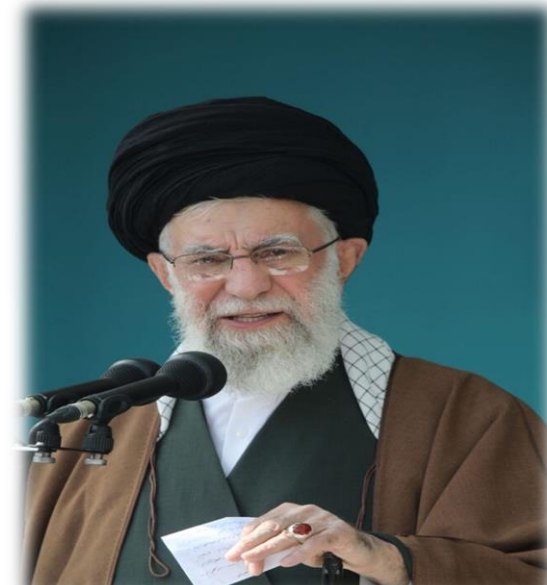
در تحلیل نهایی، می‌توان گفت که رابطه میان استاد برهان‌الدین ربانی و سید علی خامنه‌ای، نمونه‌ای از تعامل سازنده میان رهبران اسلامی با پیشینه‌های مذهبی متفاوت است. این رابطه نشان می‌دهد که در شرایط پیچیده منطقه‌ای، اشتراکات فکری و اهداف مشترک می‌تواند بر تفاوت‌ها غلبه کند و زمینه‌ساز همکاری‌های مؤثر شود. تأکید بر وحدت اسلامی، مقابله با افراط‌گرایی، و تلاش برای تحقق صلح و ثبات، از جمله محورهایی است که این دو رهبر را به یکدیگر نزدیک ساخت.

چنین روابطی، اگرچه در بستر خاص تاریخی و سیاسی شکل گرفته‌اند، اما می‌توانند به‌عنوان الگویی برای آینده جهان اسلام مورد توجه قرار گیرند. در جهانی که همچنان با چالش‌های متعددی از جمله تفرقه مذهبی، مداخلات خارجی، و افراط‌گرایی مواجه است، بازخوانی تجربه‌هایی از این دست می‌تواند به درک بهتر راه‌های همگرایی و همکاری میان کشورهای اسلامی کمک کند. از این‌رو، بررسی روابط میان ربانی و سید علی خامنه‌ای، نه تنها از منظر تاریخی، بلکه از حیث راهبردی نیز اهمیت دارد و می‌تواند الهام‌بخش تلاش‌های جدید برای تقویت وحدت و همبستگی در جهان اسلام باشد.

روابط میان رهبران جهان اسلام، به‌ویژه در دوره‌های بحرانی و گذارهای تاریخی، همواره نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی به معادلات منطقه‌ای و حتی بین‌المللی داشته است. در این میان، رابطه میان استاد برهان‌الدین ربانی، رئیس‌جمهور پیشین افغانستان و رهبر جمعیت اسلامی، با سید علی خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران، از جمله نمونه‌های قابل توجهی است که نشان‌دهنده نوعی همگرایی فراتر از مرزهای جغرافیایی و تفاوت‌های مذهبی است. این رابطه را می‌توان در چارچوب تعاملات سیاسی، اشتراکات فکری، و همکاری‌های منطقه‌ای مورد بررسی قرار داد.

نخستین بعد این رابطه، در حوزه تعاملات رسمی سیاسی و دیپلماتیک قابل مشاهده است. در دهه ۱۹۹۰ میلادی، زمانی که افغانستان درگیر جنگ‌های داخلی و ظهور طالبان بود، دولت ربانی به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی صحنه سیاسی افغانستان، از سوی برخی کشورهای منطقه از جمله ایران به رسمیت شناخته می‌شد. در این چارچوب، دیدارهای رسمی میان ربانی و مقامات عالی‌رتبه جمهوری اسلامی ایران، به‌ویژه سید علی خامنه‌ای، اهمیت ویژه‌ای یافت. حضور ربانی در اجلاس سران کشورهای اسلامی در تهران و دیدار او با رهبر ایران، نه تنها نشانه‌ای از مشروعیت بین‌المللی دولت وی بود، بلکه بیانگر نوعی هماهنگی سیاسی در قبال تحولات افغانستان نیز به‌شمار می‌رفت. این دیدارها در شرایطی انجام می‌شد که طالبان بخش‌های وسیعی از افغانستان را در اختیار داشتند و دولت ربانی با چالش‌های جدی مواجه بود؛ از این‌رو، حمایت سیاسی ایران می‌توانست نقش مهمی در تقویت موقعیت او ایفا کند.

در کنار روابط سیاسی، اشتراکات فکری میان این دو شخصیت نیز از اهمیت بسزایی برخوردار است. با وجود تفاوت‌های مذهبی—ربانی به‌عنوان یک عالم سنی و خامنه‌ای به‌عنوان یک مرجع شیعه—هر دو در بسیاری از مسائل کلان جهان اسلام دیدگاه‌های نزدیکی داشتند. یکی از مهم‌ترین این اشتراکات، نگاه انتقادی به سلطه خارجی و تأکید بر استقلال کشورهای اسلامی بود. ربانی که خود از رهبران جهاد علیه اشغال شوروی در افغانستان به‌شمار می‌رفت، همواره بر ضرورت مقاومت در برابر مداخله قدرت‌های خارجی تأکید داشت. این موضع با دیدگاه‌های سید علی خامنه‌ای درباره مقابله با سلطه‌طلبی جهانی و دفاع از استقلال امت اسلامی هم‌خوانی داشت.



### از ابو مسلم خراسانی تا سید خراسانی

نویسنده: ضیا ضیایی

با شهادت آیت الله خامنه ای توسط امریکا و رژیم اسرائیل؛ بسیاری از سیاسیون و آگاهان به این موضع واکنش نشان داده و ضمن محکومیت جنایات امریکا و اسرائیل از شجاعت و درایت شهید خامنه ای ستایش کرده اند. در همین زمینه روز گذشته مطلبی از داود مردیان رئیس مرکز مطالعات استراتژیک افغانستان خواندم. وی در پیامی نوشت: «خراسان، ابومسلم دیگری را از دست داد؛ اما بار دیگر و مثل همیشه به پیشواز خورشید خواهد رفت».

به راستی این مقایسه بسیار دقیق و قابل توجه است. زیرا ایران زمین همواره شاهد ظهور شخصیت‌های بزرگ و تأثیرگذار در طول تاریخ بوده است. افرادی که با الهام از فرهنگ غنی و اسلامی و ایران زمین، نقش بسزایی در تحولات منطقه و جهان ایفا کرده‌اند. اما مهمترین چهره‌های برجسته در تاریخ ایران بزرگ و خراسان، ابومسلم خراسانی و سید خراسانی (شهید خامنه‌ای) هستند. این دو بزرگ مرد نقش بسزایی در مقابله با سلطه‌گری؛ تبعیض و خود برتر بینی کشورها و خلافت‌ها؛ رهایی از سلطه و مقابله جزیه و استعمار‌گری داشتند.

### ابومسلم خراسانی؛ رهایی‌بخش ایران از سلطه اعراب و سید خراسانی مقابله با استعمار امریکایی

ابومسلم خراسانی، یکی از شخصیت‌های مهم در تاریخ ایران، در قرن هشتم میلادی زندگی می‌کرد. او با رهبری قیام‌های مختلف، نقش مهمی در رهایی ایران از سلطه اعراب ایفا کرد.

از سویی دیگر ما در عصر حاضر شهید خامنه ای را داشتیم که با درک درست از رویکرد استکباری و استعماری امریکا و غرب؛ مقابل این کشورها ایستاد و در راستای استقلال و تمامیت ارضی ایران از هیچ تلاشی دریغ نکرد و در همین مسیر به شهادت رسید.

### ویژگی‌های مشترک ابومسلم خراسانی و سید خراسانی

#### - رهایی سرزمین و کشور از سلطه بیگانه

ابومسلم خراسانی با رهبری قیام‌های مختلف، به مبارزه با سلطه‌گری و تبعیض اعراب پرداخت و زمینه را برای بازگشت ایران بزرگ به استقلال فراهم کرد. استقلال به این مفهوم که حرکت سبب شد تا صفاریان و حکومت‌های دیگر فارسی زبان در ایران و خراسان بزرگ شکل بگیرد. یعنی این حرکت او نه تنها منجر به رهایی ایران بزرگ از سلطه اعراب شد، بلکه الگویی برای سایر حرکت‌های آزادی‌خواهانه در منطقه نیز گردید. ابومسلم بزرگ در همین راه استقلال طلبی در توطئه خائنانه به شهادت رسید.

از سوی دیگر، سید خراسانی، آیت الله شهید خامنه‌ای، نیز چه در دوران مبارزه با رژیم‌های استبدادی شاهی در ایران و چه پسا انقلاب ایران و مقابله با سلطه غرب، نقش مهمی در حفظ استقلال و تمامیت ارضی ایران ایفا کرد. او با رهبری انقلاب اسلامی ایران، زمینه را برای استقرار نظام اسلامی و مقابله با تهدیدهای خارجی فراهم کرد. او هرگز مقابل سلطه و فشار و تهدید امریکا سرخم نکرد و مردان در میدان باقی ماند و به شهادت رسید.

#### - شجاعت؛ صفات مشترک سید شهید و خراسانی

شجاعت یکی از ویژگی‌های بارز هر دو شخصیت است. ابومسلم خراسانی با شجاعت و شهامت، در برابر نیروهای اعراب ایستادگی کرد و به برتری طلبی و جزیه نه گفت. او با وجود اینکه از نظر نظامی و تجهیزات، از نیروهای عربی بسیار ضعیف‌تر بود، اما با استفاده از هوش و شجاعت خود، توانست به پیروزی‌های مهمی دست یابد. هرچند در پایان کار در توطئه ناجوان مردانه حکام عباسی به شهادت رسید.

از سویی دیگر سید خراسانی نیز با شجاعت و استقامت، در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی ایستادگی کرد. او با وجود اینکه در دوران ۳۷ سال رهبری خود تحت فشارهای زیادی قرار داشت، اما هرگز از اهداف و به آنچه می‌گفت و می‌اندیشید و باور داشت کوتاه نیامد. او با شجاعت در برابر تمام حمله‌ها ایستادگی کرد و سرانجام به شهادت رسید.

#### - دوران‌دیشی و عشق به وطن؛ صفات فرزندان خراسان

دوران‌دیشی یکی از ویژگی‌های مهم هر دو شخصیت است. ابومسلم خراسانی با دوران‌دیشی و برنامه‌ریزی، توانست قیام‌های مختلف را رهبری کند و به اهداف خود دست یابد. او با درک شرایط سیاسی و اجتماعی زمان خود، توانست حرکت‌های مؤثری را رقم بزند.

سید خراسانی نیز با دوران‌دیشی و برنامه‌ریزی، توانست انقلاب اسلامی ایران را در مقطع مهم رهبری کند و به استقرار نظام اسلامی دست یابد. او با درک شرایط سیاسی و اجتماعی زمان خود، ایران را به سمت پیشرفت و سربلندی هدایت کرد.

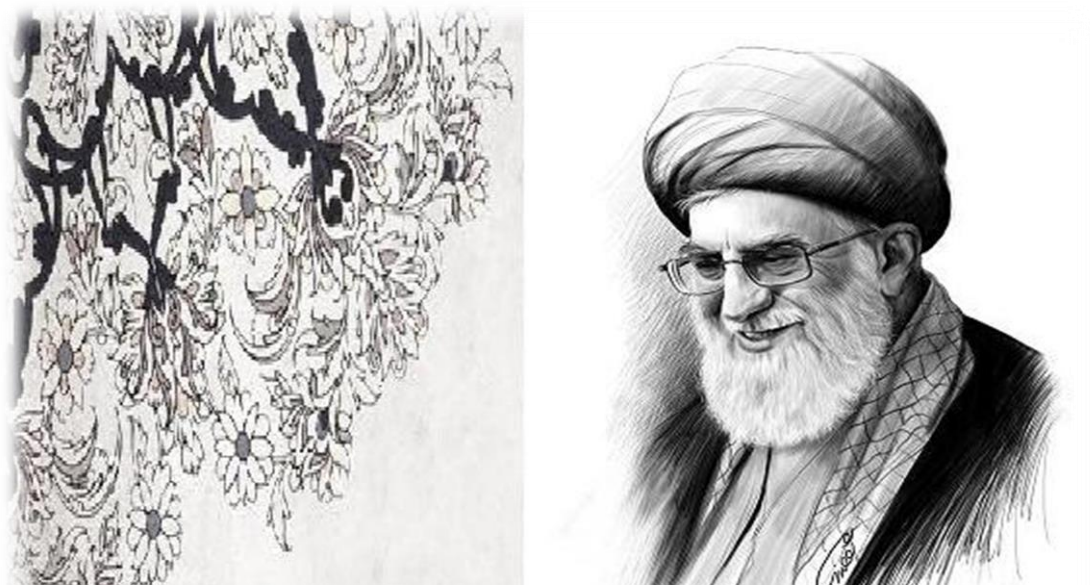
همچنین عشق به وطن نیز یکی از ویژگی‌های بارز هر دو شخصیت است. ابومسلم خراسانی با عشق به وطن و تعصب نسبت به فرهنگ و تاریخ خراسان بزرگ، به مبارزه با اعراب پرداخت و زمینه را برای بازگشت به استقلال فراهم کرد. سید خراسانی نیز با عشق به وطن و تعصب نسبت به فرهنگ و تاریخ ایران، به مبارزه با رژیم‌های استبدادی و سلطه غرب پرداخت و در حفظ استقلال و عزت ایران یک گام هم عقب نشست.

## شهامت و ایثار در عین تبلیغات زهرآگین دشمنان

شهادت و شهامت یکی از ویژگی‌های مهم هر دو شخصیت است. ابومسلم خراسانی با شها سادات... مت و فداکاری، در راه مبارزه با حکومت‌های عربی، جان خود را به خطر انداخت و سرانجام نیز به شهادت رسید.

سید خراسانی نیز با شهامت و فداکاری، با نگرش استبدادی غرب مبارزه کرد و جان خود را به خطر انداخت و سرانجام نیز در همین راه با شهامت به شهادت رسید.

نتیجه سخن این که؛ مقایسه ابومسلم خراسانی و سید خراسانی بسیار قابل توجه است، هر دو دو چهره برجسته در تاریخ ایران هستند که با ویژگی‌های مشترکی مانند شجاعت، دوراندیشی، عشق به وطن و شهامت، نقش بسزایی در تحولات منطقه و ایران ایفا کرده‌اند. با مطالعه زندگی‌نامه و درک مسیر آنان بویژه شهید خامنه‌ای که در تاریخ معاصر ما با شهادتش برای همیشه ماندگار شد، می‌توان درس‌های ارزشمندی برای سربلندی و مردانه زیستن آموخت.



### ویژگی‌های منحصر شهید خامنه‌ای؛ هر چه خوبان همه دارند، تو تنها داشتی

نویسنده: ضیا ضیایی

روز گذشته دست جنایت کار امریکا و اسرائیل یکی از شریف ترین انسان های عصر ما را از ما گرفت. آیت الله خامنه‌ای که در شجاعت، پاک نفسی و عزت و نفس و ساده زیستی و صفات خوب دیگر آراسته و نمونه و الگوی میان رهبران عالم بود؛ در حمله امریکا و اسرائیل به شهادت رسید.

او مقدر بود اما مظلومانه و ناجوانمردانه از سوی لشکر اهریمن به شهادت رسید. مقدر به این معنی که او از هیچ قدرت و زوری هراس نداشت و تا آخر پای آرمانش که حمایت از مستضعفان بود، ایستاد. مظلومانه اما به این دلیل که پشت سرش دستگاه‌های تبلیغاتی و بنگاه‌های رسانه‌ای وابسته به غرب چقدر تبلیغات می‌کردند و کردند. او در حالی که حسین وار در میدان نبرد بود از سوی شقی ترین افراد عصر حاضر به شهادت رسید.

هرچند صفات پسندیده امام خامنه‌ای برای بصیران عالم قابل دید و فهم بود؛ اما او با شهادتش برای همه نشان داد که دارای چه شجاعت و ویژگی منحصر به فردی است. در ذیل به صفات که در وجود او متلبور بود اشاره می‌کنیم.

#### -شجاعت

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رهبر انقلاب، شجاعت ایشان بود. ایشان در مواجهه با چالش‌ها و تهدیدهای مختلف، هرگز تسلیم نشده و با استواری و شجاعت، از ارزش‌های اسلامی و منافع ملی ایران دفاع کرده‌اند. او شجاعانه و تا آخرین مرحله پای آرمانش و حق طلبی و ظلم و ستیزی و حمایت از محرومان و مستضعفان؛ و مقابله با استکبار و استعمار ایستاد. او علی وار در میدان نبرد حاضر شد و هرگز برای نجات جان‌ش پنهان نشد. اگر این نکته را تاکید کنیم که هیچ رهبری در عصر زمان ما شجاعت او را نداشته و ندارد؛ گزاف نگفته ایم.

دومین ویژگی مهم رهبر شهید انقلاب اسلامی ایران، پاک‌نفسی و سلامت و عزت نفس ایشان است. در سال‌های گذشته همواره بنگاه‌های تبلیغاتی غرب علیه وی مطالب زهرآگین نشر می‌کردند؛

اما او عزت مندانه و پاک نفس زندگی کرد و به شهادت رسید. قطعا در سال های بعدی بیشتر مردم به این مسئله پی خواهند برد که او چقدر پاک و منزّه بوده است. او بر خلاف تمام رهبران عالم هیچ چیزی از مادیات برای خود و خانواده اش به طور ویژه در نظر نگرفت و هرگز دست به مال اندوزی نزد.

### ۳- ساده زیستی

سومین ویژگی مهم رهبر انقلاب، ساده زیستی ایشان است. با وجود اینکه ایشان در جایگاه رهبری کشور قرار بودند، اما هرگز به دنبال تجملات و زندگی اشرافی نبوده اند. این ساده زیستی و دوری از تجملات، نشان دهنده تعهد ایشان به ارزش های اسلامی و اخلاقی بود. در یکی از تصاویر از ملاقات های وی با یکی از رهبران کشورها! گوشه ای عبا ی وی که پاره بود، سوژه برای توصیف شده بود. روز گذشته هم تصاویری از خانه محل زندگی او منتشر شد. خانه ای ساده و بی آرایش و قدیمی که در همان خانه ساده به شهادت رسید.

### ۴- علم دوستی

چهارمین ویژگی مهم رهبر شهید انقلاب، عشق به علم و دانش ایشان بود. ایشان همواره بر اهمیت علم و دانش تأکید کرده و از تلاش های علمی و آموزشی در ایران حمایت کرده اند. در هیچ جلسه ای نبود و شهید خامنه ای از علم و دانش و پیشرفت سخن نگویید. در دوره زعامت او ایران با وجود تحریم های ظالمانه به پیشرفت های مهمی دست یافت.

### ۵- اخلاق مداری

پنجمین ویژگی شهید آیت الله خامنه ای، اخلاق مداری ایشان است. ایشان همواره بر اهمیت اخلاق و ارزش های انسانی تأکید کرده و از رفتارهای ناپسند و خلاف اخلاق، به شدت انتقاد کرده اند. در بیشتر سخنرانی و بیانات؛ او همه و بویژه جوانان را به اخلاق مداری و وفای به عهد توصیه و تشویق می کرد.

### ۶- تدبیر و حکمت

و ویژگی ششم ایشان، تدبیر و حکمت است. ایشان با توجه به تجربیات و دانش خود، همواره راهبردهای مناسبی را برای مواجهه با چالش ها و تهدیدها انتخاب کرده اند. این تدبیر و حکمت، منجر به موفقیت های قابل توجهی در سیاست داخلی و خارجی ایران شده است. او به علم روز و تجربه و تدبیر باور عمیق داشت. باورها از او شنیدیم که یکی از مهمترین تاکیدات او برای خل حالش ها تدبیر بوده است.

### ۷- الگوی رهبری

او بدون شک برترین الگوی رهبری در زمان معاصر بود. او با ویژگی حسنه و منحصر به فرد امروز برای بسیاری از افراد عالم الگو است. هرچند که او با هیچ رهبر و حاکمی در جهان حتی خپب ترین زمامدار هم قابل مقایسه نیست؛ اما برای تفهیم بیشتر مطلب این نکته را باید در نظر داشت که او را افرادب مانند ترامپ و نتانیاهو به شهادت رساندند که الگوی شر و بدی در جهان هستند. امروز نتانیاهو را با کشتار ۱۰۰ هزار فلسطینی در غزه می شناسند. یا ترامپ را دروغ و فریب و در نهایت با پرونده بدنام و شنیع اپستین. اما او را در شجاعت و پاک نفسی و اخلاق مداری. در پایان، می توان گفت که رهبر انقلاب اسلامی ایران، شهید خامنه ای، شخصیتی برجسته و الگویی برای بسیاری از افراد در سراسر جهان بودند؛ هستند و خواهند بود. او با این ویژگی های منحصر به فرد پاک زیست و پاک از دنیا رفت. خدایش رحمت کند



شاعر: نجیب بارور

۲

کم میارید که پایان سفر مانده هنوز  
تا رسیدن به طلوع و به سحر مانده هنوز  
کفر، از وادی اسلام به ما می تازد  
آی امت، به تماشا چقدر مانده هنوز!  
آن که از حق "بشر" لاف فراوان می زند  
"ب" به شمشیر جدا کرده و "شر" مانده هنوز  
راه آزادی این قوم مسیرش پیداست  
راهبر رفته و صد راهگذر مانده هنوز  
بت شکستن هنر سنت ابراهیم است  
این عنایت به دم تیز تبر مانده هنوز  
ساکنان، خانه ی آبایی ما در خطر است!  
پدران رفته و شمشیر پدر مانده هنوز  
مادر زخمی تاریخی ما، ای ایران!  
آفرینت، که ترا خون جگر مانده هنوز!  
نور امید، مراد دل شب را ندهد  
آفتاب از سر ما رفته، قمر مانده هنوز  
ختم این غایله با ترکش رستم بشود  
گر از آن شهپر سیمرغ اثر مانده هنوز

۱

در سینه ما هوای ایمان زنده است!  
از روز الست، عهد و پیمان زنده است!  
برعکس دروغ های دزدان حجر،  
ای دوست بیا ببین که ایران زنده است!  
صد زخم زدنند، داغداری کردی  
با خون شهید روی اناری کردی  
امروز سر بلند امت تو شدی  
ایران، ایران تو پایداری کردی!  
در سینه ی دشمن تو خنجر گیرم  
من عشق ترا دوباره از سر گیرم  
ایران، نامت سبک نگیرم زین پس  
من نام ترا به جان برابر گیرم



شاعر: مهران پوپل

۱ هلا آنها که می‌خواهید قرآن را نگه دارید  
بقرآن اصل قرآن است، ایران را نگه دارید

و هر شهرش یکی از سوره‌های پاک قرآن است  
و شاید سوره‌ی «نور» است، تهران را نگه دارید

خبردار! این نبردی بین اسرائیل و ایران نیست  
نبرد کفر و ایمان است، ایمان را نگه دارید

اگر در راه حق از مرگ می‌ترسید، باکی نیست  
ولیکن حرمت خون شهیدان را نگه دارید

میان حق و باطل بی‌طرف‌ها بی‌شرف هستند  
اگر هرچیز را دادید وجدان را نگه دارید

خیابان‌ها خیابان نیست، خط اول جنگ است  
هلا ای مردم رزمنده میدان را نگه دارید

بدانید اینکه اسلامی پس از ایران نخواهد ماند  
مسلمانان عالم سنگر تان را نگه دارید

۲ ما دل از او خواستیم او سر به ما تقدیم کرد  
آب تا گفتیم، او کوثر به ما تقدیم کرد

هی رجز خواندیم: «ما از جان فداهای تو ایم»  
جان قابل را ولی رهبر به ما تقدیم کرد

حفظ باید کرد حتی در ازای خون خویش  
او گذشت از جان و این کشور به ما تقدیم کرد

درس عزت را اگرچه «حاج قاسم» داده بود  
او ولی با لحن شیوا تر به ما تقدیم کرد

یک زمان «سید حسین» و یک زمان «سید علی»  
چه پسرها «حضرت حیدر» به ما تقدیم کرد

۳ به یک ارزن نمی‌ارزد دگر این جان بعد از تو  
جهان تنگ است در اندیشه‌ی انسان بعد از تو  
برایم ماه روزه بعد از این عین محرم هست

و بوی کربلا می‌آید از تهران بعد از تو  
دگر جای گلاب از چشم گل خوناب می‌آید  
نمی‌دانم چه در دل می‌کشد کاشان بعد از تو!

خودم دیدم که سویس کاروان‌ها زیره می‌بردند  
نمی‌روید به غیر از لاله در کرمان بعد از تو  
گوارای وجودت روضه‌ی رضوان، ولی یوسف!

نمی‌دانی چه آمد بر سر کنعان بعد از تو  
مرا آخر فراق ات کور خواهد کرد، باکی نیست  
چه می‌خواهد ببیند آخر این چشمان بعد از تو؟

مبادا بیشه‌ی شیران شود پامال کرکس‌ها  
مبادا کم شود مو از سر ایران بعد از تو  
اگرچه ما عزادار تو ایم اما خیالت تخت

نخواهد ماند خالی لحظه‌ای میدان بعد از تو  
در آن سو گله‌های گرگ و این سو بچه‌آهو‌ها  
خدا باشد خودش پشت مسلمانان بعد از تو

تو را باید خدا از آسمان پس بر زمین آرد  
که آن «مهران» قبل از تو شود مهران بعد از تو



شاعر: حسیب احراری

ای بلال مکه ای یار رسول  
ناله کن هنگام اذان تو است  
خوش نشستی در صفوف امتحان  
هی جهان حیران طوفان است  
زنده‌دار شمع امید علی!  
روز پیروزی ایران تو است

ای امام قبله‌ی امروزیان  
قبله در تجدید پیمان تو است  
یا حسین ثانی ایرانیان  
کربلا امروز تهران تو است  
کشته اولاد تو را گر حمله  
دست خونین تو قرآن تو است  
ای شهید مظهر آیات حق  
کوفه و بغداد گریان تو است

هم تو را رهبر بنامم می‌سزد  
هم برایت دل ببازم می‌سزد  
چون گواه صحنه پیکان تو است

این چراغ ناخاموش آسیا  
در امان مهر دستان تو است  
آتش دیگ مرادت پخته باد  
تا فروزاننده یزدان تو است

این جهانی من ز جانم یافتم  
غیر تو مرد دیگر نشناختم  
یعنی میراث نبی آن تو است



شاعر: محمد کاظم کاظمی

تا جهان باشد، بر انگشت سلیمانم ببینم  
جاشوان بندرت را ناخدا خورشید یابم

کوزه‌های سبزه را بر بام گیلانت ببینم  
در خلیج فارس، مستی‌ها کنم با زورق ماه

رویش خورشیدها را در خراسانت ببینم  
«بیدلی‌هایت نصیب دیده‌ی بیدل مبادا  
چشم آن دارم که تا بینم، گلستانت ببینم»

آه ای ایران، مبادا نابه‌سامانت ببینم  
جانِ جانانی، مبادا درد در جانت ببینم

در مصاف گرگ‌های تیزدندان ببینم  
رستم دستانِ عصری، هفت خوانت را بناز

تا قیامت در پناه شیر یزدانت ببینم  
وای اگر داغِ پسر بر سینه‌ی مادر نشیند

وای اگر خون جوان را بر خیابانت ببینم  
داغِ پیشانی مبادا داغِ دل را تازه سازد

وای اگر بر سفره‌ی سالوس مهمانت ببینم  
وای اگر در کوزه‌ات زهر زر و تزویر باشد

چشمِ شیخ و شاب را بر پاره‌ی نانت ببینم  
خاتمِ فیروزه‌ی صبحِ نشابوری و باید

تا جهان باشد، بر انگشت سلیمانم ببینم  
جاشوان بندرت را ناخدا خورشید یابم

کوزه‌های سبزه را بر بام گیلانت ببینم  
در خلیج فارس، مستی‌ها کنم با زورق ماه

اندوه، گاه مرزهای جغرافیا، زبان و سیاست را در می‌نوردد و انسان‌ها را در احساسی مشترک کنار هم می‌نشانند. امروز از همان روزهاست؛ روزی که خبر شهادت امام خامنه‌ای، دل‌های بسیاری را در ایران، جهان اسلام و فراتر از آن، اندوهگین ساخت.

مجله «روایت» این ضایعه بزرگ را به خانواده معزز ایشان، ملت ایران، رهبر انقلاب اسلامی ایران، همه دلدادگان انقلاب اسلامی و تمامی کسانی که سال‌ها با اندیشه و رهبری ایشان زیسته‌اند، صمیمانه تسلیت عرض می‌کند.

در چنین لحظاتی، واژه‌ها توان بیان همه اندوه را ندارند. تنها می‌توان در کنار سوگواران ایستاد، با آنان همدرد بود و برای روح آن فقید، آرامش و رحمت الهی، و برای بازماندگان و همه داغداران، صبر، استقامت و سربلندی مسئلت کرد.

یاد انسان‌های اثرگذار، با رفتن آنان خاموش نمی‌شود؛ در خاطره ملت‌ها، در تاریخ و در میراثی که از خود بر جای می‌گذارند، به زندگی ادامه می‌دهد.

**«روایت» در این اندوه، خود را شریک غم همه سوگواران می‌داند.**

## حرف آخر:

هر روایتی، هرچند بلند، سرانجام به واپسین صفحه خود می‌رسد؛ اما تاریخ، هیچ‌گاه در واپسین صفحه متوقف نمی‌شود.

آنچه در این شماره خواندید، تنها روایت شهادت یک رهبر نبود؛ روایت عصری بود که با نام او شناخته می‌شد. عصری که در آن، تصمیم‌ها، ایستادگی‌ها، بحران‌ها، پیروزی‌ها و امیدها، در کنار هم، بخشی از حافظه یک ملت و بخشی از تاریخ جهان اسلام را شکل دادند.

امروز که این شماره به پایان می‌رسد، هنوز غبار حادثه بر زمانه نشسته است و بسیاری از پرسش‌ها، پاسخ خود را در سال‌ها و دهه‌های آینده خواهند یافت. تاریخ، همواره با فاصله‌ای از رخدادها سخن می‌گوید؛ اما وظیفه اهل روایت آن است که نخستین سطرهای این تاریخ را با امانت، دقت و مسئولیت بنویسند.

شهادت، پایان زندگی نیست؛ همان‌گونه که پایان یک رهبر، پایان یک اندیشه نیست. آنچه از انسان‌های بزرگ در حافظه ملت‌ها باقی می‌ماند، نه تنها نام و تصویر آنان، بلکه آرمان‌ها، باورها و راهی است که در برابر آیندگان گشوده‌اند. از همین رو، هر پایان، آغازی دیگر است؛ آغاز خوانش‌های تازه، روایت‌های تازه و مسئولیت‌های تازه.

«روایت» این شماره را نه با ادعای پایان سخن، که با آگاهی از آغاز گفت‌وگویی بزرگ‌تر به پایان می‌رساند؛ گفت‌وگویی که از امروز، در حافظه تاریخ ادامه خواهد یافت. سال‌ها بعد، نسل‌هایی که این روزها را ندیده‌اند، شاید در میان همین صفحات، نشانه‌ای از زمانه ما را جست‌وجو کنند؛ از روزهایی که تاریخ، بار دیگر مسیر خود را تغییر داد.

این واپسین صفحه، پایان یک مجله نیست؛ ادای احترام به فصلی است که به پایان رسید و آغازی است برای فصلی که تاریخ، آن را خواهد نوشت.

روایت همیشه همراه شماست

ارتباط با ما

وبسایت: [www.revayat.com](http://www.revayat.com)

ایمیل: [revayat@gmail.com](mailto:revayat@gmail.com)

واتساپ: ۰۰۹۸۹۰۲۲۲۹۴۶۸۱



پایگاه خبری-تحلیلی روایت